



به رنگ حرم

درباره کتابی که زائران ایرانی به کوچک‌ترین میزبانان عراقی اربعین هدیه می‌دهند

جامعه امروز

فاطمه عسگری نیا | روزنامه‌نگار | اول با تردید نگاه می‌کنم. بعد بسته را از دست زائر ایرانی می‌گیرم و آرام به تصویر روی جلد خیره می‌شود. چند ثانیه

بعد لبخند می‌زند؛ همان لبخندی که زبان مشترک بچه‌هاست، حتی اگر یکی فارسی بداند و دیگری عربی. دخترک عراقی هنوز نمی‌داند این کتاب از **تبران** آمده، فقط می‌داند هدیه‌ای است برای او؛ برای یکی از کوچک‌ترین میزبانان اربعین. دخترک کتاب را محکم بغل می‌گیرد؛ کتابی که نامش «پلّون الحرم» است و روی جلدش تصویر حرم‌ها نقش بسته و هنوز بوی مدادرنگی‌های نو را می‌دهد. نه زبان فارسی می‌داند و نه زائر ایرانی را آنطور که باید و شاید می‌شناسد، اما لبخندش وقتی هدیه را می‌گیرد، به هیچ مترجمی احتیاج ندارد. این قاب شاید کوچک‌ترین هدیه زائران ایرانی به کودکان عراقی باشد، اما برای خیلی‌ها معنای دیگری دارد؛ تشکر از خانواده‌هایی که هر سال خانه‌هایشان را بی‌هیچ چشمداشتی به روی میلیون‌ها زائر باز می‌کنند.

سوغاتی ایرانی

هنوز چند روزی تا آغاز پیدای اربعین مانده، اما در گوشه‌ای از تهران چند گروه دور هم نشستند و مدادرنگی‌ها را کنار کتاب‌هایی می‌گذاردند که قرار است هزار کیلومتر آن‌سوتر لبخند را همانا خانه‌های عراقی کند؛ کتاب‌هایی که نه برای زائران بلکه برای کودکانی آماده شده‌اند که هر سال، همراه پدر و مادرشان، درهای خانه را به روی میلیون‌ها زائر باز می‌کنند؛ هدیه‌ای کوچک برای قدرانی از بزرگ‌ترین میزبانی جهان. ماجرا از یک سؤال ساده شروع شد؛ می‌شود برای میزبانان اربعین هم کاری کرد؟ نه برای پدرها و مادرها، بلکه برای بچه‌هایی که هر سال، بی‌هیاهو، بخشی از این مهمان‌نوازی بزرگ را به دوش می‌کشند. همین سؤال چند سال پیش چند فعال فرهنگی را دور هم جمع کرد تا به جای یک بسته تبلیغاتی یا یادبود، کتاب رنگ‌آمیزی حرم‌های اهل‌بیت(ع) را همراه با مدادرنگی راهی عراق کنند. بله در بست است، چند سال است این گروه از فعالان فرهنگی تصمیم گرفته‌اند سهم زائران ایرانی از بزرگ‌ترین مهمانی جهان فقط استفاده از سفره موب‌کها نباشد؛ آنها می‌خواستند یادگاری کوچکی هم برای فرزندان میزبانان عراقی ببرند.



هدیه‌ای برای بچه‌ها

عباس حسین‌نژاد، طراح این پویش می‌گوید ایده از دل همان روزهایی در آمد که زائران ایرانی در خانه‌های مردم عراق استراحت می‌کردند؛ «دیدیم این همه محبت را فقط با تشکر زبانی نمی‌شود جواب داد. گفتیم اگر هدیه‌ای برای بچه‌هایشان ببریم، شاید یادگاری قشنگ‌تری از حضور ایرانی‌ها در ذهنشان بماند.» کتاب‌هایی که آنها طراحی و بسته‌بندی و در اربعین بین کودکان عراقی توزیع می‌کنند، فقط چند صفحه نقاشی نیست. از مسجدالحرام و بین‌الحرمین تا حرم حضرت عبدالعظیم(ع) و حضرت زینب(س)، تصویر مکان‌های مقدس را کنار هم آورده‌اند تا کودک عراقی، هنگام رنگ کردن، با آنها آشنا شود. این طرح به گفته حسین‌نژاد هر سال کامل‌تر و کامل‌تر می‌شود؛ «در چاپ جدید حتی توضیح کوتاهی هم برای هر تصویر اضافه شده است.»

رفاقت کتابی

«پلّون الحرم» حالا دیگر فقط یک کتاب رنگ‌آمیزی کودکان نیست؛ کتابی است که دوستی و وحدت مردم ایران و عراق را هم بیشتر کرده است. حسین‌نژاد با مرور خاطرات در این باره به همشهری می‌گوید: «یکی از دوستانم که در کربلا موب دار، یک سال و چندماه بعد از اربعین به من رنگ زد و گفت: می‌دانی کتاب‌هایت چه کرد؟ بچه‌های محله که کتاب‌ها را گرفتند، انگار دیوار بین ما و خانواده‌هایشان فرو ریخت. از آن روز به بعد سلام‌ها بیشتر شد، رفت‌وآمدها بیشتر شد و موب‌ک ما دیگر برای آنها غریبه نبود.» بله، همین کتاب‌های کوچک، موب‌کهای ایرانی را با خانواده‌های محله‌های عراق رفیق‌تر کرده است. شاید به همین دلیل است که این روزها، در کنار بسته‌های فرهنگی، گروه‌های دیگری هم عروسک، اسباب‌بازی و هدیه‌های کوچک برای کودکان عراقی آماده می‌کنند. انگار خیلی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که اگر دل یک کودک شاد شود، راه رسیدن به دل خانواده‌اش هم کوتاه‌تر می‌شود.



کار دلی و مردمی

اما شاید جذاب‌ترین بخش ماجرا پشت‌صحنه این هدیه‌ها باشد. خبری از بودجه‌های کلان نیست. گرچه نخستین دوره آن با کمک آستان قدس رضوی و بنیاد کرامت انجام شد، اما از آن دوره به بعد هزینه تهیه بسته‌ها را مردم می‌دهند؛ یکی ۵۰ هزار تومان، یکی چندمیلیون تومان. بعضی‌ها هم فقط پول نمی‌دهند؛ بسته‌ها را برمی‌دارند و خودشان تا نجف و کربلا می‌برند تا مستقیم به دست کودکان برسانند.



دکتری از سکه افتاد

معاون آموزشی وزارت علوم در گفت‌وگو با همشهری از کاهش جذابیت تحصیل در مقاطع عالی و کاهش شرکت‌کنندگان کنکور دکتری گفت

جامعه امروز

تعداد دانشجویان دکتری از امسال وارد سراسریشی شده و ممکن است در آینده تعداد کسانی که ابتدای نام خود کلمه «دکتر» داشته باشند کمی متعادل‌تر شود. در ۱۰ سال گذشته، زمانی که متقاضیان مدرک دکتری بیشتر شدند دانشگاه‌ها هم مدارک بیشتری صادر کردند اما این هجوم به نقطه‌ای رسیده است که می‌توان انتظار کاهش تعداد فارغ‌التحصیلان آن را داشت. ابوالفضل واحدی، معاون آموزشی وزارت علوم در گفت‌وگو با همشهری از کاهش علاقه نسل جدید به تحصیل در مقاطع عالی می‌گوید.

نسبت‌های مدرکی

تعداد شرکت‌کنندگان آزمون دکتری امسال اندکی کاهش نشان می‌دهد. سال ۱۴۰۴ بیشترین تعداد شرکت‌کنندگان را نسبت به سال‌های پیش امسال روند نزولی آغاز شده که ممکن است دیگر هیچ‌گاه اوج نگیرد. تعداد دانشجویان از سال ۱۳۹۴ روند کاهشی داشت و در سال ۱۴۰۰ به کمترین مقدار خود رسید. پس از آن اندکی افزایش پیدا کرد اما به میزان قبلی بازنگشت. با مجموع این محاسبات می‌توان نتیجه گرفت که تعداد دانشجویان دکتری در روند ریزشی قرار گرفته است و هر سال می‌توان انتظار کاهش تعداد آنها را داشت.

پذیرش به عهده هیأت علمی‌ها

بر خلاف آزمون کارشناسی ارشد که درگیر جنگ و آتش‌پس شد و جمعه گذشته پس از فراز و فرودهای فراوان به پایان رسید، داوطلبان دکتری فقط یک مرحله دیگر در پیش رو دارند که به نام «مصاحبه» شناخته می‌شود. به گفته رضا محمدی، رئیس سازمان سنجش آموزش کشور امسال ۹۷ هزار نفر داوطلب دکتری در سایت، مجاز به انتخاب رشته شدند و این چند برابر ظرفیت پذیرش دانشگاه‌هاست. ظرفیت دکتری در کل کشور به حدود ۱۵ هزار نفر می‌رسد

و همین اختلاف بزرگ اعداد نشان می‌دهد که بیشتر تصمیم‌گیری برای پذیرش دانشجویان دکتری به دانشگاه‌ها و هیأت علمی‌های هر دانشکده که کار مصاحبه را انجام می‌دهند، سپرده شده است.



به یاد ماکان نصیری

روزنامه نیویورک تایمز به نقل از مقامات آمریکایی گزارش داد که حمله روز جمعه ایران به پایگاه آمریکا در اردن باعث کشته شدن ۲ سرباز آمریکایی و مفقودان شدن یک سرباز شد. این خبر به سرعت

«سرباز آمریکایی هم مفقود شد، با این فرق که ماکان یک کودک بی‌گناه دستانی بود و این یکی، یک سرباز متجاوز.» کاربر دیگری هم با انتشار این خبر نوشت: «تقدیم به ماکان عزیز.»

در شبکه‌های اجتماعی ایرانی‌ها چرخید و هر کس بر اساس نگاه خود دست به تحلیل زد. در میان تمام واکنش‌ها، کم نبودند افرادی که غم مفقودالانتری ماکان نصیری را یادآوری کردند. یک کاربر نوشت:

نگاه

زندگی در خاک جریان دارد

در کنار همدلی‌ها و همراهی‌های مردم کشورمان برای قوت قلب دادن به مردم جنوب کشور و اصرار اهالی این خطه برای ماندن در شهر و خاکشان، گاهی اخباری ضدونقیض هم به گوش می‌رسد که عده‌ای با اهدافی متفاوت سعی می‌کنند خالی و کم‌سکنه شدن شهرهای جنوبی را القا کنند. شب گذشته هم ویدئویی با همین مضمون در فضای مجازی منتشر شد که مدعی بود، دستور تخلیه خاکرگ صادر شده است. در این ویدئو که شبکه‌های ماهواره‌ای به آن استناد کرده‌اند، تصویری از خلوت‌بودن جزیره خاکرگ هم ضمیمه شده تا صحت ادعای تخلیه جزیره را تأیید کند. مرتضی احمدی‌زاده، از بومیان جزیره خاکرگ درباره این ویدئو به همشهری می‌گوید: «تخلیه خاکرگ یک دروغ است و مردم اینجا دارند زندگی‌شان را می‌کنند.» او درباره تصاویر منتشر شده از خلوتی خاکرگ توضیح می‌دهد: «با مجازی‌شدن امتحانات مدارس و تعطیل شدن دبستان‌ها، شهر خلوت‌تر شده، این شرایط هم مختص امسال و شرایط جنگی نیست. از طرف دیگر کسانی که با زندگی ما جنوبی‌ها آشنایی دارند، می‌دانند که ما به دلیل گرمای ۵۰ درجه جنوب، معمولاً بیشتر کارهای روزمره مانند خرید، دیدوبازدید و هواخوری را به شب موب‌کول می‌کنیم. تا روزها کمتر در معرض آفتاب باشیم.» محدودبودن تعداد حملات دشمن به جزیره خاکرگ دلیل دیگری است که احمدی‌زاده برای غیرواقعی بودن این ویدئو ذکر می‌کند: «در این روزها که درگیری‌ها در جنوب زیاد بوده، جزیره خاکرگ فقط دو سه بار هدف حمله قرار گرفته و درگیری‌ها در اینجا انقدر زیاد نبوده که مردم اینجا را تخلیه کنند.»



این خاک، جان من است

ساکنان شهرهای جنوبی می‌گویند خانه و خاکشان را ترک نمی‌کنند و زندگی را در دل جنگ ادامه می‌دهند

گزارش

رابعه تیموری | روزنامه‌نگار | تفاوتی نمی‌کند در کدام گوشه ایران زندگی کنند؛ شمال، شرق، غرب، مرکز... هر جا هستند، دلشان برای مردم جنوب کشور می‌تپد و می‌خواهند هر کاری از دستشان برمی‌آید، برای هموطنان جنوبی‌شان انجام دهند تا آنها بدانند در این روزهای سخت جنگ تنها نیستند. نخستین قدمشان هم باز کردن در خانه‌هایشان به روی مردم جنوب بوده تا اگر تصمیم گرفتند این روزها را در محل‌های امن‌تر و آرام‌تری بگذرانند، دلواپس نداشتن جا و مکان نباشند، اما پاسخ جنوبی‌ها به این دعوت و مهمان‌نوازی هموطنانشان جالب است و بسیاری از آنها در فضای مجازی با پست‌ها، کامنت‌ها و استوری‌های مختلف، تعصب خود به خاک و شهرشان را به رخ کشیده‌اند و گفته‌اند با وجود جنگ و طاقت‌فرسایون شرایط زندگی‌شان، حاضر نیستند شهر و خانه خود را ترک و تخلیه کنند.

شهر مون به جونمون بسته‌س

در بسیاری از پست‌هایی که در اینستاگرام منتشر شده، مردم شهرهای مختلف تصاویری از خانه‌های آب و جارو زده خود را به اشتراک گذاشته‌اند و با نوشتن آدرس و شماره تلفن از ساکنان جنوب کشور خواسته‌اند تا پایان جنگ مهمان خانه و سفره آنها باشند. در یکی از پست‌های شهروندی مشهدی تصویری از چند واحد آپارتمان شیک و مبله را منتشر کرده و نوشته است: «بچه‌های فیض‌آباد، مهولات و مشهد بی‌غیرت نیستن که مردم جنوب رو رها کنن. چند عزیز قرار می‌دم، بدون هیچ هزینه و کراهی. حتی هزینه آب و برق و گاز هم نمی‌گیرم.» اما مردم جنوب این مهمان‌نوازی او را به شکل متفاوتی قدرانی کرده‌اند و زیر پستش نوشته‌اند: «به عنوان یک جنوبی از شما تشکر می‌کنم. کرده‌اند و زیر پستش نوشته‌اند: «به عنوان یک جنوبی از شما تشکر می‌کنم. درسته اینجا جنگه ولی ما تا می‌تونیم در شهر و دیار خود می‌مونیم. ان شاءالله که جنگ زمینی نشه و کلا نموم بشه... از اهواز پیام می‌دم، دیشب پشت خونه‌هامون روزدن، به شدت فجیع، الان ما دما بالایی ۵۰ درجه و قطعی برق حاضر به ترک خونه و شهرمون نیستیم. خون ما از بقیه رنگین‌تر نیست. خدا خیرت بده داشا با این محبت‌تون... دم شما گرم هموطن عزیز، ولی ما جنوبیا دلمون نمیداد خاکمون رو ول کنیم. فقط فراموش دعا کنین... چقدر خوبه ما ایرانیا! اینقدر هوای همدیگه رو داریم، ولی به جنوبی‌ها تا آخرین لحظه ایستادگی می‌کنه و می‌مونه... نمیشه که شهرمون رو بی‌خیال بشیم. می‌مونیم تا آخرین لحظه‌ای که خدا بهمون عمر داد، شهرم جونمه...»

نگهبانان مرزهای آبی

حال و هوای این روزهای جنوب کشور به سال‌های دوران دفاع مقدس بی‌شباهت نیست و بسیاری از آنها در همان سال‌ها هم حاضر نشدند تا شهر و دیارشان را ترک کنند. در یکی از پست‌های شبکه ایکس، شهروندی شمالی از آن روزها یاد کرده و مردم جنوب در پاسخش نوشته‌اند: «سیاس فراوان به همه ایرانی‌های خوب که تا الان لطف داشتند از شهرهای مختلف مردم جنوب را دعوت کردند تا ما مهمان شهرشان باشیم، اما مردم جنوب در سال جنگ عراق با ایران در خاک خودشان ماندند، الان مردم بندرعباس، آبادان، اهواز، سیستان و بلوچستان، بوشهر، چادک، عسویه، چابهار، سوسنگرد و خیلی از شهرهای جنوب حاضر نشدند شهرشان را ترک کنند. ما با وجود صداها و لرزش‌های انفجارهای حملات دشمن که تحملش سخت است، ماندیم و در جنگ زندگی می‌کنیم.» ساکنان خطه جنوب کشور خود را نگهبانان مرزهای آبی کشور می‌دانند و تعصب به آب‌خاک، جزو فرهنگ جنوبی‌شان است. یک کاربر جنوبی به نام نوشین حسینی در این مورد نوشت: «اگه ما جنوبیا بریم، کی از مرز دفاع کنه؟ جنوبی هیچ‌وقت مرز وطن رو ول نمی‌کنه، بره. ما زیر بمبارون با گرمای ۵۰ درجه و بی‌برقی باز هم حاضر نیستیم مرزهای کشورمون رو خالی کنیم تا به وقت دشمن، فکر ورود به شهر و خونه‌هامون به فکرش نرسه.»

زندگی در دل جنگ

نسل امروز مردم جنوب هم که دوران جنگ ۸ ساله را تجربه نکرده‌اند، عرق به خاک و خانه را از نسل‌های گذشته به میراث برده‌اند و نشان داده‌اند ترجیح می‌دهند جریان زندگی‌شان را با دشواری‌های جنگ هماهنگ کنند، اما از خانه و کاشانه‌شان دل نکنند. در ویدئویی که یکی از دختران جنوبی در فضای مجازی منتشر کرد و پر بازدید شد، دختر جنوبی رو به ساحل دریا ایستاده و می‌گوید: «برام پیام گذاشتن که مگه شما بندرعباس نیستی؟ مگه اونجا جنگ نیست؟ می‌خوای بری شام بخوری؟ وسایلتو جمع کن برو... برم؟ کجا برم؟ ما همه اینجا بیم. خونه‌ما اینجا ست. گفتن خروجی‌های شهرها همه پر شدند... کجا پر شده؟ ما همه اینجا بیم. هیچ کس جایی نرفته...» بعد آرامش دریا را نشان می‌دهد و می‌گوید: «من الان اومدم بالا که دربار رو ببینم. دیشب همین جارو زدن، اونورم که... ما هم می‌تونیم اینجا جنگه، خونه‌هامونم می‌لرزه. خب چیکار کنیم؟ شام نخورم!!!»

